

فصلنامه علمی - دانشجویی ایرانشناسی

صاحب امتیاز: انجمن علمی جغرافیای دانشگاه زنجان سال اول، شماره اول، پاییز ۱۴۰۱ خورشیدی

سیر تحولات اندیشه‌ای در علوم جغرافیایی ایران

صفحه ۳

آشنایی با نواحی جمعیتی ایران

صفحه ۷

غار آبی تاریخی سهولان

صفحه ۱



برنامه‌ریزی
و برنامه‌ریزی شهری

صفحه ۵

سخن سر دبیر

با عرض سلام و آرزوی توفیق و سربلندی خدمت تمام دوستان. اولین شماره «فصلنامه علمی - دانشجویی ایران شناسی» با هدف ارائه مجموعه تحقیقات و فعالیت‌های علمی در حوزه‌های مختلف علوم جغرافیایی منتشر می‌شود، تا محیط مناسبی برای ارائه مباحث تخصصی محققین باشد، ما برآنیم تا با استفاده از پتانسیل‌های محققین و دانشجویان و دریافت مقالات علمی و نظرات این بزرگان، امکان فضایی مناسب و با کیفیت را برای انتشار فصلنامه فراهم آوریم.

از تمامی اعضای تلاشگر هیئت تحریریه و همکاران محترم در حوزه معاونت فرهنگی که ما را در تهیه این شماره مجله یاری نمودند، قدردانی کرده و برای همه آنان از خداوند متعال، سلامتی و توفیق روز افزون در عرصه علم و دانش آرزو می‌کنم و از کلیه دانشجویان گرامی، خوانندگان و صاحب نظران اندیشمند تقاضا می‌شود با راهنمایی‌های مشفقانه خویش ما را در ادامه مسیر یاری نمایند.

ابوالفضل رحیمی

فهرست

- ۱ غار آبی تاریخی سهولان
- ۳ سیر تحولات اندیشه‌ای در علوم جغرافیایی ایران
- ۴ یادداشت‌های مطالعات میان رشته‌ای
- ۵ برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی شهری
- ۷ آشنایی با نواحی جمعیتی ایران
- ۱۱ مقررات برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی مرتبط با شهرداری‌ها
- ۱۲ واژه شناسی مفهوم روستا

مدیر مسئول:

محمدرضا نعمتی

صاحب امتیاز:

انجمن علمی جغرافیای دانشگاه زنجان

سر دبیر:

ابوالفضل رحیمی

دبیر:

سوسن محمدی

اعضای هیئت تحریریه:

- محمد جواد عباسی

- محمدرضا نعمتی

- مریم رحمانی

- پویا شیخ چوپانی

- مهدی چراغی

- سوسن محمدی

ویراستار و صفحه آرا:

معصومه محمدلو

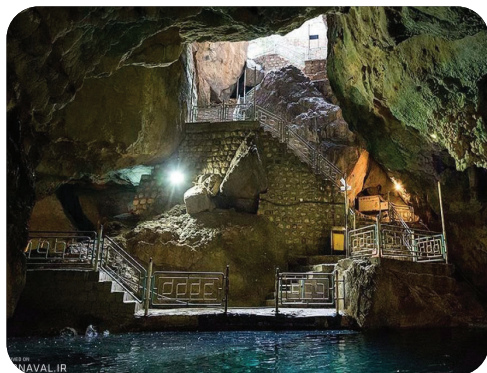
راه ارتباطی:

Geography.znu1401@gmail.com



۴

یادداشت‌های مطالعات
میان رشته‌ای



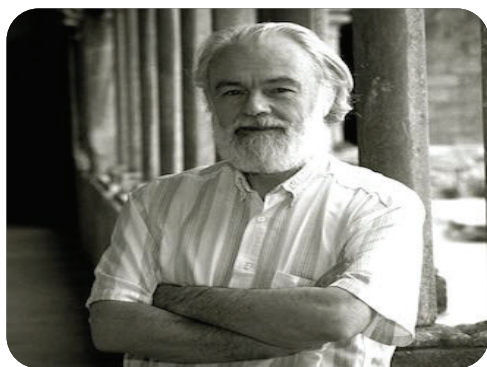
۱

غار آبی تاریخی سهولان



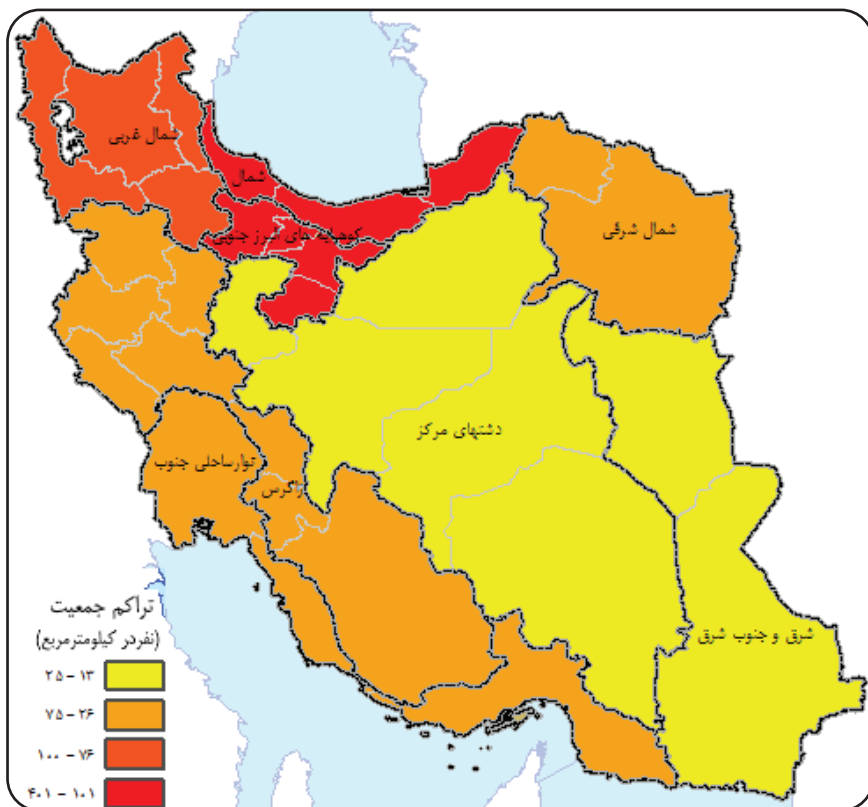
۵

برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی شهری



۳

سیر تحولات اندیشه‌ای در
علوم جغرافیایی ایران



۷

آشنایی با نواحی جمعیتی ایران



۱۲

واژه‌شناسی مفهوم روستا



غار آبی تاریخی سهولان

حوضچه آخر ۵۰ متر است و حداکثر عمق آن نیز ۵۲ تا ۵۵ متر برآورد شده است. رطوبت داخل این غار آبی ۷۵٪ درصد و اختلاف دمای درون و بیرون غار، بین ۵ الی ۱۰ درجه سانتی‌گراد می‌باشد.

این غار آبی با جلوه‌های طبیعی و قندیل‌های منحصر به فرد، در دامنه رشته کوه‌های کوثر قرار دارد. این پدیده زیبا و نادر دارای ۲ دهانه است که ارتفاع دهانه اصلی آن حدود ۱۷۶۵ متر و به نام (کونه کوثر) به دریچه‌ای به عمق ۳۰ متر راه دارد. دهانه دوم که در فاصله نه چندان دور از دهانه اصلی واقع شده در حدود ۱۷۹۵ متر ارتفاع داشته و به نام (کونه مالان) به صورت یک چاه طبیعی تا ساحل این دریاچه، ۵۰ متر ارتفاع دارد. محوط ورودی مدخل این غار از سطح جاده به صورت قطعه زمینی هموار و نعلی شکل پوشیده از چمن است که چندین درختچه نیز در دل صخره‌های غار از آن بیرون زده است.

طبیعی کشور و از شگفت‌انگیزترین جلوه‌های طبیعت زیبای استان آذربایجان غربی به شمار می‌رود. غار سهولان پس از «غار علی‌صدر» همدان دومین غار آبی بزرگ ایران زمین است که تاکنون شناخته شده است.

مساحت کل غار تا دو هکتار پیش‌بینی می‌شود که قسمت کشف شده آن در بخش آبی ۲۵۰ متر و در بخش خشکی ۲۰۰ متر طول دارد و بلندترین نقطه آن از سطح آب‌های آزاد ۲۱۹۹ متر است.

ویژگی‌های طبیعی غار

محتویات غار سنگ‌های آهکی است و دارای ایوان‌های بلند با نقش و نگارهای سحرآمیز، تندیس‌های طبیعی به اشکال گیاهان و جانوران، استلاگمیت‌ها و استلاگنیت‌های ظریف و دالان‌های تنگ و باریک است که عظمت آفرینش را در مقابل دیده هر بیننده‌ای به نمایش می‌گذارد. ارتفاع سقف غار از سطح آب در

غار سهولان به عنوان یک غار آبی- خشکی، از مهمترین غارهای موجود در غرب کشور ایران به شمار می‌رود. سهولان به زبان کردی به معنی «یخبندان» است. مردم محلی غار را «کونه کوثر»، یعنی لانه کبوتر نیز می‌نامند. دلیل این نامگذاری وجود تعداد زیادی لانه کبوتر درون غار است.

موقعیت

سهولان در محدوده شهرستان مهاباد با مختصات عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۹ دقیقه و طول جغرافیایی ۴۵ درجه و ۵۶ دقیقه در جنوب استان آذربایجان غربی و در ۴۱ کیلومتری جنوب شرقی شهر مهاباد، بر سر «جاده برهان» که مهاباد را به بوکان وصل می‌کند و در نزدیکی روستای سهولان، در دامنه رشته کوهی به نام «کوثر» واقع شده است.

غار آبی تاریخی سهولان یکی از مهمترین و کم‌نظیرترین غارهای

مطالعات انجام شده در غار

این غار ۱۰۰ سال پیش برای اولین بار توسط ژاک دمرگان فرانسوی (۱۸۷۵-۱۹۲۴ م) فارغ التحصیل مدرسه معدن پاریس، که افتخار اولین صعود زمستان گونه به قله دماوند در سال ۱۲۶۸ خورشیدی را به نام خود ثبت نمود، مورد کاوش و بررسی قرار گرفت و اولین نقشه علمی این غار هم توسط همین فرد تهیه و ترسیم شد.

پس از آن، در سال های جنگ جهانی دوم توسط یک هیئت انگلیسی و بعد از آن نیز توسط غارنوردان دانشگاه آکسفورد در سال ۱۳۵۲ مجدداً مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و در مهرماه ۱۳۷۷ این غار توسط غارشناسان ایرانی شناسایی و در سال ۱۳۷۹، بر اساس مصوبه ۱۶۹ شورای عالی حفاظت محیط زیست، تحت حفاظت قرار گرفت. کارشناسان میراث فرهنگی معتقدند به استناد لایه های سفالی که از منطقه دالان اصلی و تالار بزرگ و دهلیز ورودی کونه مالان بدست آمده، این غار از هزاره های اول و دوم قبل از میلاد تا دوره پارتی و اسلامی و حتی زمان هایی از قرون وسطی مورد سکونت انسان ها قرار گرفته است.

موجودات زنده این غار، کبوترچاهی

و خفاش می باشند که قسمت هایی از غار را به عنوان آشیانه انتخاب کرده اند. به دلیل تاریک بودن و نبود نور، جلبکی در آب دریاچه این غار رشد نکرده و به غیر از جانداران میکروسکوپی، هیچ موجود دیگری زیست نمی کند.

آب دریاچه غار، بسیار شفاف و زلال است و عمق آن علیرغم تاریک بودن، تا چند متری قابل رؤیت است. درجه حرارت در فصل تابستان و زمستان بین ۱۰ تا ۱۳ درجه سانتیگراد در نوسان بوده و رطوبت حاکم بر غار نیز بین ۷۰ تا ۸۰ درصد متغیر است که در اثر رطوبت بالا روی سنگ ها و صخره ها با خزه های سبز و قهوه ای پوشیده شده و گاهی قطرات آب از بالای ایوان ها به روی سطح آب می چکد.

نخستین دریاچه از محل ورودی حدود ۲۰۰ متر وسعت دارد که تقریباً در ۴۵ متری عمق زمین قرار گرفته و دارای آبی زلال و صاف است. دالان بالای سر این دریاچه افزون بر ۵۰ متر ارتفاع دارد و در انتهای آن دو دالان باریک به عرض دو متر دیده می شود که به دریاچه ها و دالان های بعدی باز می شوند.

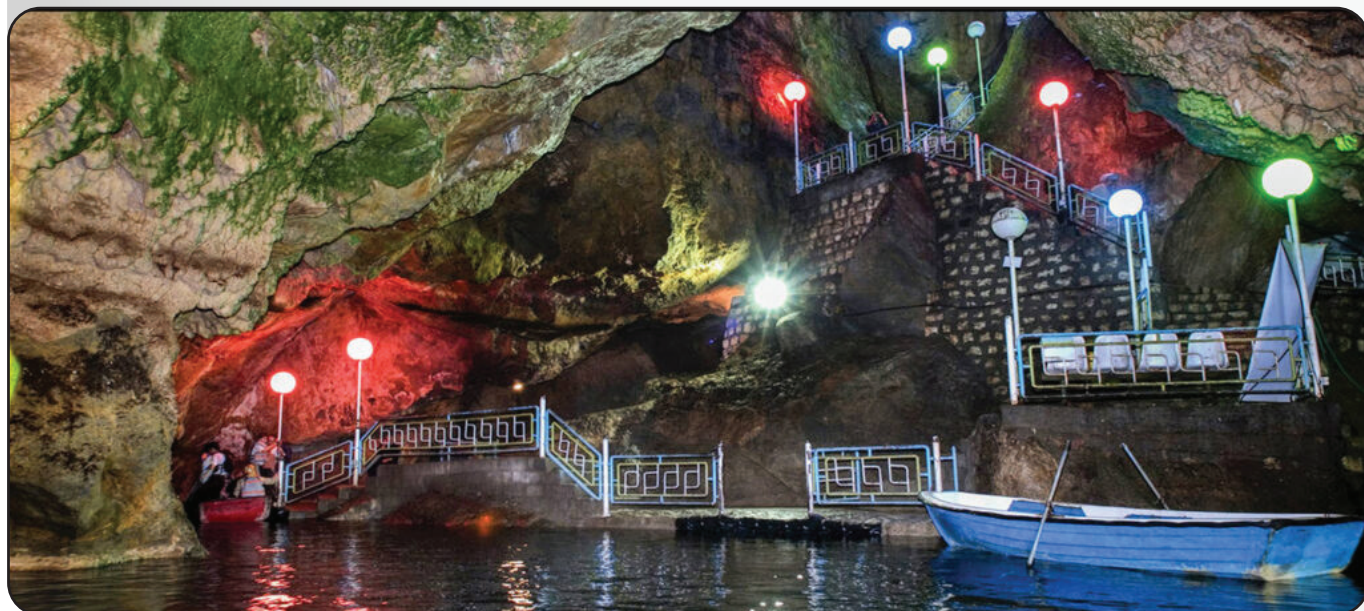
جاذبه ها و امکانات

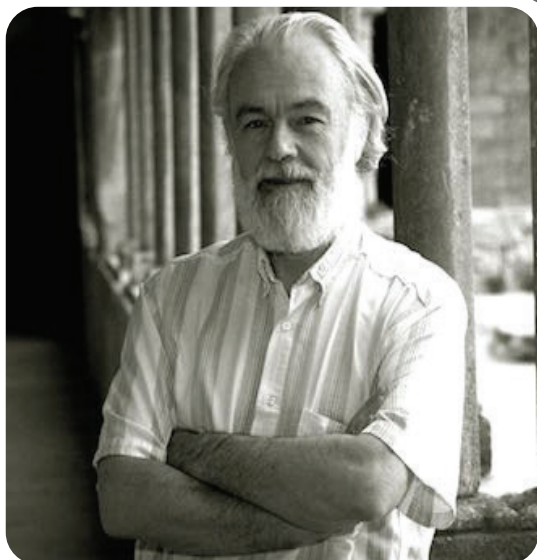
اولین چیزی که گردشگران قبل از ورود به روستا با آن روبه رو می شوند،

مدیریت غار

بعد از اینکه غار سهولان به شهرداری مهاباد سپرده شد، شهرداری برای مدیریت غار از مردم محلی روستا بهره گرفته و در حال حاضر مدیریتی محلی، زیر نظر شهرداری بر غار سهولان حاکم است.

امروزه با ساماندهی امکانات ویژه توسط شهرداری و احداث سوئیت های اقامتی، روستای سهولان به یکی از قطب های گردشگری استان تبدیل شده و روزانه هزاران گردشگر داخلی و خارجی از این غار تاریخی بازدید می کنند. پویا شیخ چوپانی





سیر تحولات اندیشه‌ای در علوم جغرافیایی ایران

محمدجواد عباسی

و اقتصاد سیاسی کمتر توجه شد و این مسأله موجب شد که مطالعه اثر تصمیمات حاکمیت و قدرت سیاسی در فضا، اثرگذاری آن رویکردهای اثبات‌گرایانه را به چالش بکشد. از دهه ۱۹۷۰ میلادی و با ورود اندیشه‌های مارکسیستی به جغرافیا، بسان دیدگاه‌های دیوید هاروی و خانم دروین مسی و نیز بروز آشفتگی‌های فرهنگی- اجتماعی ناشی از توقف سرمایه‌داری، تعدادی از جغرافیدانان ایرانی نیز از تمرکز بر روش‌های کمی و مطالعات اکولوژیک روی‌گردان شده و ظهور پارادایم‌های جدیدی برای در نظر گرفتن هر چه بیشتر نقش قدرت سیاسی و اقتصاد سیاسی در کشور توسط جغرافیدانان مورد توجه قرار گرفت. بدین‌سان، فضای مطالعات جغرافیایی کشور، اینگونه در دو دهه پایانی قرن بیستم شاهد تغییر در نگرش و رهیافت‌هایی در رابطه با نظریات و معیارهای مفهومی توسعه شد. از آن زمان تا به امروز، جریان فکری اصلی در حوزه جغرافیای نوین در کشور (که به جرأت می‌توان اذعان نمود)، با «رویکردی اجتماعی» و با تأکید بر «عدالت اجتماعی» متبلور است و این رهیافت، تلاش دارد با دیدگاه سیستمی و عاملیت اصل مفهوم «فضا به مثابه یک تولید اجتماعی»، «توسعه‌ای متوازن، یکپارچه و پایدار» را در کشورمان فراهم سازد.

تبیین روابط انسانی و محیطی، همچنین پیامدهای این روابط در گذر زمان به شیوه‌های متفاوتی در تحقیقات اندیشه‌ورزان و نظریه‌پردازان علوم جغرافیایی کشور بازتاب داشته است؛ آنگونه که پس از پشت سر گذاشتن رویکردهای مطالعاتی از قبیل رهیافت‌های اکولوژیکی و ناحیه‌گرایی بسان دیدگاه هارتشورن (۱۹۳۹) با قلمداد جغرافیا به عنوان علم کورلوژی، با رویکرد مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های مکانی و کارل ساور (۱۹۲۵)، با قلمداد جغرافیا به عنوان علم مورفولوژی چشم‌انداز فرهنگی در جغرافیا از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد، انقلاب کمی- فضایی از شاخص‌ترین رهیافت‌هایی بود که به تبعیت از کورت شفر با نگرشی فضایی در دهه ۱۹۶۰ به مسائل و چالش‌های زمان خود و در راستای رشد اقتصادی به مفهوم کلاسیک اثرگذار شد. مطابق همین دیدگاه، عباس سعیدی، استاد دانشگاه شهید بهشتی تهران (۱۳۹۱) جغرافیا را «علم مطالعه و شناخت ساختاری- کارکردی نظام‌های فضایی برای برنامه‌ریزی و توسعه جوامع» می‌داند؛ لیکن در مسیر این روش با سیطره منطق تجربی و اثبات‌گرایی، غفلتی رخ داد و به ویژگی‌های منحصر به فرد ناحیه‌ای، شرایط محیط طبیعی و فرایندهای اجتماعی- فرهنگی، به ویژه نقش قدرت و حاکمیت سیاسی

یادداشت‌های مطالعات میان رشته‌ای

ژئوپلیتیک شهری

مریم رحمانی

دانش میان رشته‌ای، اشاره به حوزه‌های جدید در دانش دارد که بیش از یک زمینه دانشی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. روش برخورد میان رشته‌ای فرصت عبور از مرزهای سنتی رشته‌های گوناگون دانش را فراهم می‌سازد. در یک حوزه میان رشته‌ای، متخصصان دو یا چند رشته و دارای تخصص علمی در ارتباط با شناخت، حل یا تحلیل یک پدیده، موضوع یا مسئله معمولاً پیچیده و واقعی با یکدیگر تعامل و همکاری علمی می‌کنند؛ بنابراین، فعالیت علمی میان رشته‌ای زمانی معنا پیدا می‌کند که شناخت و فهم علمی و دقیق پدیده یا مسئله‌ای پیچیده یا ناشناخته، که از ظرفیت و دانش یک رشته یا تخصص خارج است، هدف باشد. در مطالعات علمی نگاه به آینده و چشم‌انداز دیگر نه یک انتخاب، که یک اجبار و الزام خواهد بود.



لذا در همین راستا، این نشریه طی سلسله یادداشت‌هایی به معرفی برخی از این مطالعات در حوزه جغرافیا می‌پردازد. یکی از این دانش‌های میان رشته‌ای «ژئوپلیتیک شهری» است که در ادامه به شرح مختصر آن می‌پردازیم:

شهر یکی از مهمترین دستاوردهای بشر و فراخ‌ترین پنجره به سوی فرهنگ است. در نظم نوین جهانی، اهمیت شهرها نسبت به دولت‌های جهانی بیشتر شده است و نظریه مردم-شهرها در مواجهه با نظریه دولت-

ملت مطرح است. در این میان، شکل‌گیری و گسترش گرایش موضوعی جدید «ژئوپلیتیک شهری» نشانگر افزایش نقش آفرینی و بازیگری شهرها در فضاهای جغرافیایی در سطح ملی و فراملی است. اگر چه این نقش آفرینی از گذشته نیز وجود داشته، اما تغییر در ماهیت و مفهوم قدرت و ورود بازیگران فراملی، زمینه افزایش حضور شهرها به این عرصه را فراهم آورده و بازیگری خاصی به آنها داده که متفاوت از گذشته است. شهرها نه تنها بستر شکل‌گیری نهادهای سیاسی-مدنی و بخش جدایی‌ناپذیر فرآیند نوسازی و توسعه اجتماعی-اقتصادی هستند، بلکه کانون اصلی رویدادها، کنش و واکنش‌ها و انواع مناسبات و روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و کالبدی نیز می‌باشند.

شهر به عنوان یک پدیده مدرن، معرف جایگاه و نقش ملت‌ها در روند توسعه تعاملات و مناسبات مذکور است. به همین دلیل، امروزه با طرح این الگوهای جدید و راهبردهای کارساز برای سازماندهی فضای شهری و افزایش نقش سیاسی و استراتژیکشان، شهرها به کانون مطالعات در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک تبدیل شده‌اند. در ژئوپلیتیک، شهر به عنوان یک کانون قدرت با قابلیت اثرگذاری گسترده در سطوح مختلف سرزمینی مورد توجه است و جغرافیدانان سیاسی، بیش از هر چیز با تأکید بر عناصر محوری سه گانه فضا، سیاست و قدرت، بر مباحث فضای شهری، شهروندان، حکومت محلی، اقتصاد شهری و کلانشهرها/جهانشهرها تمرکز یافته‌اند. با استناد به مطالب ذکر شده، مدیران شهری به عنوان بخشی از بازیگران سیاسی شهر، بدون آشنایی و یا توجه کافی به جغرافیای سیاسی و عوامل ژئوپلیتیکی شهر نمی‌توانند موجبات توسعه و اداره مطلوب شهر را فراهم نمایند.

برنامه ریزی و برنامه ریزی شهری

“ برنامه ریزی شهری چیست؟ ”

سؤال یعنی چی؟! قرمز قرمز دیگه!..

تعجب در لحن پاسخ‌ها مشهود بود. تعجب از سؤالی که انتظارش را نداشتند چرا که در خیال آن‌ها، این یک سؤال بدیهی است. و رای لحن، از پاسخ‌ها چه می‌شود برداشت کرد؟ اکثراً برای تعریف رنگ قرمز از خود واژه قرمز استفاده کردند و یا با مثال‌هایی خواستند آن را بیان کنند. همه این‌ها به این معنی است که قرمز یک واژه نیست، یک مفهوم است. به برنامه‌ریزی برگردیم، برنامه‌ریزی در طول زمان به سمت مفهوم «شدن» گام برداشته است. در این میان سعی شده است تعاریفی برای آن به صورت علمی بیان شود. برنامه‌ریزی، فرایندی برای رسیدن به اهداف است. بسته به فعالیت‌ها، هر برنامه می‌تواند که بلندمدت، میان‌مدت یا کوتاه‌مدت باشد. برنامه‌ریزی یعنی اندیشیدن از پیش. برنامه‌ریزی تقسیم کردن مسیر رسیدن به هدف به بخش‌های مختلف با رعایت اولویت‌بندی می‌باشد.

تا اینجا به پیچیدگی مفهوم برنامه‌ریزی پی بردیم. برای درک برنامه‌ریزی شهری باید به سراغ قسمت دوم عبارت، یعنی شهر نیز برویم. اگر فکر می‌کنید قسمت پیچیده مفهوم برنامه‌ریزی شهری را پشت سر گذاشته‌اید صبر کنید و ادامه مطلب را دنبال کنید.

سؤال کلی، با دامنه‌ای وسیع از پاسخ‌های درست و مرتبط، برای پاسخ بهتر و جامع، باید عبارت «برنامه‌ریزی شهری» را تجزیه کرد. این عبارت از دو بخش «برنامه‌ریزی» و «شهر» تشکیل شده است. با این بخش‌بندی عبارت، قسمت سخت ماجرا تازه شروع شده است. هر دو عبارت، خود مفهومی پیچیده دارند و هیچ تعریف جامع و یکدستی که مد نظر تمام صاحب‌نظران باشد، از آن‌ها وجود ندارد. با این وجود برنامه‌ریزی شهری مفهومی پیچیده و انتزاعی است و نباید در مواجهه با سؤال «برنامه‌ریزی شهری چیست؟» انتظار پاسخ کوتاه و صریح داشت.

“ برنامه ریزی چیست؟ ”

همانطور که اشاره شد، اساساً تعریف جامعی از برنامه‌ریزی که همه جنبه‌های آن را پوشش بدهد وجود ندارد. این عبارت، در طول زمان خود به سمت مفهوم شدن حرکت کرده است؛ بدین معنی که یک شخص در ناخودآگاه خود، واژه برنامه‌ریزی را تعریف «برنامه‌ریزی» می‌داند. با یک مثال می‌توانیم قضیه را ملموس‌تر کنیم. از چند شخص (عابر رهگذر) پرسیدیم رنگ قرمز چه رنگی است و در جواب، پاسخ‌های زیر را دریافت کردیم:

«رنگ خون!»، «سرخ دیگه، قرمز!»، «مثل دونه‌های انار!»، «پیرهن پرسپولیس رو دیدی، همون رنگی»، «این

حال که هم برنامه‌ریزی را بحث کردیم هم شهر را، برگردیم بر سر بحث اول: برنامه‌ریزی شهری چیست؟

“ برنامه‌ریزی شهری چیست؟ ”

برنامه‌ریزی شهری یا Urban planning، یک فرایند فنی و سیاسی است که به مسائلی مانند توسعه و طراحی کاربری زمین و محیط ساخته شده، شامل هوا، آب و زیرساخت‌هایی که از داخل مناطق شهری عبور می‌کند، مانند حمل‌ونقل، ارتباطات و شبکه‌های توزیع می‌پردازد. برنامه‌ریزی شهری با چیدمان فیزیکی مناطق ساخته شده توسط انسان سر و کار دارد. اصلی‌ترین هدف برنامه‌ریزی شهری رفاه عمومی است که شامل در نظر گرفتن بهره‌وری، آب و فاضلاب، محافظت و استفاده از محیط زیست و همچنین فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی می‌شود.

تعاریفی از قبیل تعریف بالا بسیار زیاد وجود دارد و اکثر صاحب‌نظران، نظرات خود را بیان کرده‌اند. با این وجود کاربری زمین فصل مشترک تمامی تعاریف است و هدف نهایی برنامه‌ریزی شهری نیز، رفاه ساکنان و بالاتر رفتن کیفیت زندگی آنان می‌باشد. اگر با جزئیات بخواهیم به تعریف برنامه‌ریزی شهری بپردازیم باید هر شهر را از شهر دیگر و هر جنبه شهر را از جنبه دیگر مجزا در نظر بگیریم.

منبع: پارسی شهر، علی گودرزی

“ شهر چیست؟ ”

دقیقاً یادم نمی‌آید کجا به این جمله برخورد کردم و آن را خواندم ولی با تمام وجود با آن موافقم. شهر پیچیده‌ترین اختراع بشر است. اساساً انسانیت در یکجانشینی و تمدن در شهر معنا پیدا می‌کند. در این عبارت شهر در تقابل با روستا نیست. برخلاف ادبیات رایج فعلی که از روستا در مقابل شهر نام می‌برند، در این عبارت صرفاً شهر در تقابل با کوچ‌نشینی بیان می‌شود. بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران کنونی شهرسازی و جغرافیای شهری، به طورکل شهر باستانی را فاقد شاخصه‌های اصلی شهرنشینی می‌دانند و از آن‌ها به عنوان روستاها یا اجتماعات بزرگ یاد می‌کنند. در این تفکر شهر در تقابل با روستا قرار می‌گیرد.

شهر خواندن یک مکان هیچ معیار و چهارچوب مشخصی ندارد. بعضی‌ها شیوه زندگی ساکنان را معیار قرار می‌دهند، بعضی‌ها جمعیت و گاهی معیار سیاسی نیز در شهر خواندن یک مکان مؤثر است. به شخصه روستاهایی را دیده‌ام که شیوه زندگی ساکنانشان هیچ تفاوتی با کلانشهر نزدیکشان ندارد و شهرهایی را دیده‌ام که جمعیت‌شان از روستا کمتر است؛ بنابراین شهر را مترادف یکجانشینی می‌دانم و متضاد کوچ‌نشینی نه در تقابل با روستا.

به هر حال سازمان‌های بین‌المللی ملاک را جمعیت قرار داده‌اند و بر اساس همین ملاک هم سنگاپور کشوری است با صددرصد جمعیت شهرنشین!



آشنایی با نواحی جمعیتی ایران

شواهد نشان می‌دهد که جمعیت ایران توزیع نامتعادلی دارد که ناشی از عوامل متنوع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی است. یکی از مباحث مهم ساختار جمعیت، توزیع مکانی آن‌ها می‌باشد. در بحث توزیع مکانی چگونگی تراکم جمعیت در سرزمین، نواحی جغرافیایی، تقسیمات کشوری و تغییرات نسبت شهرنشینی روستانشینی، سلسله مراتب شهری و شبکه شهری و چگونگی توزیع جمعیت روستایی و عشایری مورد مطالعه قرار گرفته می‌شود (مهاجرانی، ۱۳۸۹: ۴۵).

در این بخش به تفکیک نواحی جمعیتی ایران، وضعیت توزیع جمعیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چگونگی توزیع مکانی جمعیت که در نتیجه تحرکات مکانی انسان به وجود می‌آید، از مباحث مهم ساختار جمعیت می‌باشد. اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۳۵، جمعیت کشور را معادل ۱۸۹۵۴۷۰۴ نفر برآورد کرده است. سرشماری‌های بعدی در سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ انجام گرفته که بر اساس آن‌ها جمعیت کشور به ترتیب، ۲۵۷۸۸۷۲۲، ۳۳۷۰۸۷۴۴، ۴۹۴۴۵۰۰۰، ۶۰۰۵۵۰۰۰، ۷۰۴۹۵۸۷۲، ۷۵۱۴۹۶۶۹، ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر بوده است. این تعداد جمعیت را برای بررسی دقیق‌تر می‌توان در قالب نواحی جغرافیایی تقسیم‌بندی و پراکندگی آن‌ها را بررسی کرد (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۹).

“ ناحیه شمال ”

این ناحیه شامل سه استان گیلان، مازندران و گلستان می‌باشد. این ناحیه ۳/۷ درصد مساحت کل کشور و ۹/۶ درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است. بیشترین جمعیت این ناحیه مربوط به استان مازندران با ۴/۱ درصد جمعیت کل و کمترین نیز مربوط به استان گلستان با ۲/۳ درصد جمعیت کل کشور می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، با توجه به شرایط جغرافیایی مناسب از قبیل وجود آب‌وهوای مناسب و شرایط مناسب برای انجام فعالیت‌های کشاورزی، دارای تراکم جمعیت بالایی می‌باشد، به طوری که نسبت جمعیت به مساحت در این ناحیه برابر با ۲/۶ می‌باشد.

توزیع جمعیت در ناحیه شمال کشور

ناحیه جغرافیایی	استان	جمعیت (به نفر)	درصد جمعیت	مساحت KM	درصد مساحت
شمال	گیلان	۲,۵۳۰,۶۹	۳,۲	۱۴,۰۴۲	۰,۹
	مازندران	۳,۲۸۳,۵۸	۴,۱	۲۳,۸۴۲	۱,۵
	گلستان	۱,۸۶۸,۸۱۹	۲,۳	۲۰,۳۶۷	۱,۳
نسبت جمعیت به مساحت					
		۷,۶۸۳,۰۹۷	۹,۶	۵۸,۲۵۱	۳,۷
					۲,۶

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

“ ناحیه شمال غربی ”

این ناحیه شامل چهار استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان می‌باشد. این ناحیه ۷/۵ درصد مساحت کل کشور و ۱۱/۹ درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است. استان آذربایجان شرقی با ۴/۹ درصد جمعیت کل کشور پرجمعیت‌ترین استان این ناحیه و استان زنجان با ۱/۳ درصد جمعیت کل کشور کم جمعیت‌ترین استان این ناحیه به شمار می‌رود. بررسی‌ها نشان می‌دهد، نسبت جمعیت به مساحت در این ناحیه برابر با ۱/۶ می‌باشد که نشان دهنده برتری تعداد جمعیت بر مساحت این ناحیه دارد.

توزیع جمعیت در ناحیه شمال غرب کشور

ناحیه جغرافیایی	استان	جمعیت (به نفر)	درصد جمعیت	مساحت KM	درصد مساحت
شمال غربی	آذربایجان شرقی	۶۵۲,۳۰۹	۴,۹	۴۵,۶۵۱	۲,۸
	آذربایجان غربی	۳,۲۶۵,۲۱۹	۴,۱	۳۷,۴۱۱	۲,۳
	اردبیل	۱,۲۷۰,۴۲۰	۱,۶	۱۷,۸۰۰	۱,۱
	زنجان	۱,۰۵۷,۴۶۱	۱,۳	۲۱,۷۷۳	۱,۳
نسبت جمعیت به مساحت					
		۹,۵۰۲,۷۵۲	۱۱,۹	۱۲۲,۶۳۵	۷,۵
					۱,۶

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

” ناحیه کوهپایه‌های البرز جنوبی “

این ناحیه شامل استان‌های تهران، قزوین، قم و البرز می‌باشد. ناحیه کوهپایه‌های البرز جنوبی، ۲۳/۲ درصد جمعیت و ۲/۸ درصد مساحت کل ایران را شامل می‌شود. این ناحیه به عنوان پرتراکم‌ترین ناحیه جمعیتی ایران شناخته می‌شود. عوامل سیاسی و اقتصادی مهم‌ترین علت بالا بودن تراکم جمعیت در این ناحیه جمعیتی می‌باشد. استان تهران با دارا بودن ۱۶/۶ درصد جمعیت بیشترین درصد جمعیت کشور ایران و این ناحیه را به خود اختصاص داده است. همچنین استان قم و قزوین هر یک با دارا بودن ۱/۶ درصد جمعیت کشور کم‌جمعیت‌ترین استان‌های این ناحیه می‌باشند.

توزیع جمعیت در ناحیه کوهپایه‌های البرز جنوبی

ناحیه جغرافیایی	استان	جمعیت (به نفر)	درصد جمعیت	مساحت KM	درصد مساحت
کوهپایه‌های البرز جنوبی	تهران	۱۳,۲۶۷,۶۳۷	۱۶,۶	۱۳,۶۹۲	۰,۸
	قزوین	۱,۲۷۳,۷۶۱	۱,۶	۱۵,۵۶۷	۱
	قم	۱,۲۹۲,۲۸۳	۱,۶	۱۱,۵۲۶	۰,۷
	البرز	۲,۷۱۲,۴۰۰	۳,۴	۵,۱۲۲	۰,۳
نسبت جمعیت به مساحت					
		۱۸,۵۴۶,۰۸۱	۲۳,۲	۴۵۹۰۷	۲,۸
					۸,۳

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

” ناحیه دشت‌های مرکزی “

این ناحیه شامل استان‌های مرکزی، سمنان، اصفهان، یزد و کرمان می‌باشد. ناحیه دشت‌های مرکزی جنوبی ۱۴/۵ درصد جمعیت و ۳۳/۴ درصد مساحت کل ایران را شامل می‌شود. استان اصفهان با دارا بودن ۶/۴ درصد جمعیت، بیشترین درصد جمعیت این ناحیه را به خود اختصاص داده است؛ همچنین استان سمنان تنها با دارا بودن ۰/۹ درصد جمعیت کشور کم‌جمعیت‌ترین استان این ناحیه می‌باشد.

توزیع جمعیت در ناحیه دشت‌های مرکزی

ناحیه جغرافیایی	استان	جمعیت (به نفر)	درصد جمعیت	مساحت KM	درصد مساحت
دشت‌های مرکزی	مرکزی	۱,۴۲۹,۴۷۵	۱,۸	۲۹,۱۲۷	۱,۸
	سمنان	۷۰۲,۳۶۰	۰,۹	۹۷,۴۹۱	۶
	اصفهان	۵,۱۲۰,۸۵۰	۶,۴	۱۰۷,۰۱۸	۶,۶
	یزد	۱,۱۳۸,۵۳۳	۱,۴	۱۲۹,۲۸۵	۷,۹
	کرمان	۳,۱۶۴,۷۱۸	۴	۷۲۶,۱۸۰	۱۱,۱
نسبت جمعیت به مساحت					
		۱۱,۷۷۶,۴۱۵	۱۴,۵	۵۴۳۶۴۷	۳۳,۴
					۰,۴۳

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

“ ناحیه زاگرس ”

این ناحیه شامل استان‌های همدان، کردستان، کرمانشاه، لرستان، ایلام، فارس، چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد. ناحیه زاگرس ۱۷/۷ درصد جمعیت و ۱۶/۹ درصد مساحت ایران را به خود اختصاص داده است. پرجمعیت‌ترین استان این ناحیه استان فارس با ۶/۱ درصد و کم‌جمعیت‌ترین هم استان ایلام با ۰/۷ درصد جمعیت کل کشور می‌باشد.

توزیع جمعیت در ناحیه زاگرس

ناحیه جغرافیایی	استان	جمعیت (به نفر)	درصد جمعیت	مساحت KM	درصد مساحت
زاگرس	همدان	۱,۷۳۸,۲۳۴	۲.۲	۱۹,۳۶۸	۱.۲
	کردستان	۱,۶۰۳,۰۱۱	۲	۲۹,۱۳۷	۱.۸
	کرمانشاه	۱,۹۵۲,۴۳۴	۲.۴	۲۵,۰۰۹	۱.۵
	لرستان	۱,۷۶۰,۶۴۹	۲.۲	۲۸,۲۹۴	۱.۷
	ایلام	۵۸۰,۱۵۸	۰.۷	۲۰,۱۳۳	۱.۲
	فارس	۴,۸۵۱,۳۷۴	۶.۱	۱۲۲,۶۰۸	۷.۵
	چهارمحال بختیاری	۹۴۷,۷۶۳	۱.۲	۱۶,۳۲۸	۱
کهگیلویه و بویراحمد		۷۱۳,۰۵۲	۰.۹	۱۵,۵۰۴	۱
نسبت جمعیت به مساحت		۷۱۳,۰۵۲	۰.۹	۱۵,۵۰۴	۱
		۱۴,۱۴۶,۵۷۵	۱۷,۱۷	۲۷۶,۳۸۱	۱۶.۹

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

“ ناحیه نوار ساحلی جنوب ”

ناحیه نوار ساحلی شامل سه استان خوزستان، بوشهر و هرمزگان می‌باشد. این ناحیه ۹/۶ درصد جمعیت و ۹/۶ درصد مساحت کل ایران را تشکیل می‌دهد. استان خوزستان با ۵/۹ درصد جمعیت کل کشور پرجمعیت‌ترین استان این ناحیه و استان بوشهر با ۱/۵ درصد جمعیت کم‌جمعیت‌ترین استان این ناحیه به شمار می‌رود. این ناحیه از نظر رابطه بین میزان مساحت و تعداد جمعیت متعادل‌ترین ناحیه جمعیتی در ایران به شمار می‌رود.

توزیع جمعیت در ناحیه نوار ساحلی

ناحیه جغرافیایی	استان	جمعیت (به نفر)	درصد جمعیت	مساحت KM	درصد مساحت
نوار ساحلی جنوب	خوزستان	۴,۷۱۰,۵۰۹	۵.۹	۶۴,۰۵۵	۳.۹
	بوشهر	۱,۱۶۳,۴۰۰	۱.۵	۲۲,۷۴۳	۱.۴
	هرمزگان	۴۱۵,۱,۷۷۶	۲.۲	۷۰,۶۹۷	۴.۳
نسبت جمعیت به مساحت		۴۱۵,۱,۷۷۶	۲.۲	۷۰,۶۹۷	۴.۳
		۷,۶۵۰,۳۲۴	۹,۶	۱۵۷,۴۹۵	۹,۶

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

“ ناحیه شرق و جنوب شرق ”

ناحیه شرق و جنوب شرق شامل دو استان سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی می‌باشد. این ناحیه ۴/۴ درصد جمعیت و ۱۷/۱ درصد مساحت کل ایران را تشکیل می‌دهد. استان خراسان جنوبی با ۱ درصد جمعیت کل کشور بیشترین درصد مساحت این ناحیه و کشور را به خود اختصاص داده است. ناحیه شرق و جنوب شرق کم‌تراکم‌ترین ناحیه جمعیتی کشور می‌باشد.

توزیع جمعیت در ناحیه ناحیه شرق و جنوب شرق

ناحیه جغرافیایی	استان	جمعیت (به نفر)	درصد جمعیت	مساحت KM	درصد مساحت
شرق و جنوب شرق	سیستان و بلوچستان	۲,۷۷۵,۰۱۴	۳,۵	۱۸۱,۷۸۵	۱۱,۲
	خراسان جنوبی	۷۶۸,۸۹۸	۱	۹۵,۳۸۵	۵,۹
نسبت جمعیت به مساحت					
		۳,۵۴۳,۹۱۲	۴,۴	۲۷۷,۱۷۰	۱۷,۱
					۰,۳

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

“ ناحیه شمال شرقی ”

ناحیه شمال شرقی شامل دو استان خراسان رضوی و خراسان شمالی می‌باشد. این ناحیه ۹/۱ درصد جمعیت و ۹ درصد مساحت کل ایران می‌باشد. استان خراسان رضوی با ۸/۱ درصد جمعیت کل کشور بعد از استان تهران، پرجمعیت‌ترین استان این ناحیه و کشور به شمار می‌رود.

توزیع جمعیت در ناحیه شمال شرقی

ناحیه جغرافیایی	استان	جمعیت (به نفر)	درصد جمعیت	مساحت KM	درصد مساحت
شمال شرقی	خراسان رضوی	۶,۴۳۴,۵۰۱	۸,۱	۱۱۸,۸۵۱	۷,۳
	خراسان شمالی	۸۶۳,۰۹۲	۱,۱	۲۸,۴۳۴	۱,۷
نسبت جمعیت به مساحت					
		۷,۲۹۷,۵۹۳	۹,۱	۱۴۷,۲۸۵	۹
					۱

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

در ادامه جمع‌بندی مربوط به توزیع جمعیت در نواحی مختلف جغرافیایی ایران نشان می‌دهد ناحیه کوهپایه‌های البرز جنوبی با ۲۳/۲ درصد بیشترین درصد جمعیت و ناحیه شرق و جنوب شرق با ۴/۴ درصد جمعیت، دارای کمترین درصد جمعیت و ناحیه دشت‌های مرکزی با ۳۳/۴ درصد مساحت، بیشترین درصد مساحت و ناحیه کوهپایه‌های البرز جنوبی با ۲/۸ درصد مساحت کمترین مساحت را بین نواحی جمعیتی کشور به خود اختصاص داده‌اند. همچنین بیشترین نسبت جمعیت به مساحت، مربوط به ناحیه کوهپایه‌های البرز جنوبی و کمترین مربوط به ناحیه شرق و جنوب شرق می‌باشد.

توزیع جمعیت در نواحی مختلف جغرافیایی

نواحی جغرافیایی	درصد جمعیت	درصد مساحت	نسبت جمعیت به مساحت
شمال	۹,۶	۳,۷	۲,۶
شمال غربی	۱۱,۹	۷,۵	۱,۶
کوهپایه‌های البرز جنوبی	۲۳,۲	۲,۸	۸,۳
دشت‌های مرکزی	۱۴,۵	۳۳,۴	۰,۴۳
زاگرس	۱۷,۱۷	۱۶,۹	۱
نوار ساحلی جنوب	۹,۶	۹,۶	۱
شرق و جنوب شرق	۴,۴	۱۷,۱	۰,۳
شمال شرقی	۹,۲	۹,۱	۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰	-

مقررات برنامه ریزی شهری و شهرسازی مرتبط با شهرداری ها

اصول شهرسازی و معماری

رعایت کاربری های تعیین شده در طرح های شهرسازی جامع و هادی، رعایت ضوابط و مقررات طرح های برنامه ریزی شهری و شهرسازی، رعایت میزان سطح اشغال مجاز، رعایت در تعداد طبقات مجاز، رعایت حداکثر ارتفاع مجاز ساختمان، رعایت میزان عقب نشینی های تعیین شده، رعایت میزان مجاز پیش آمدگی در معابر همجوار، رعایت میزان ارتفاع مجاز پیش آمدگی نسبت به کف معبر همجوار، رعایت ضوابط و مقررات گذر بندی، رعایت کلیه حرایم قانونی فاقد دکل های برق و ... (شهرداری شیراز، تعارف و مفاهیم شهرسازی، ۱۳۸۴).

اعیان در ممیزی

به مالکیت ساختمان یا بنا یا مستحقات و تأسیسات و اشجار و کشف و زرع و امثالهم اطلاق می شود. بدیهی است مالکیت عرصه در این حالت متعلق به شخص دیگری غیر از مالک اعیان خواهد بود (تعاریف اوراق ممیزی املاک، ترتیب ممیزی املاک وزارت کشور، ۱۳۹۶).

افراز

در اصطلاح قضایی و ثبتی عبارت است از جدا کردن سهم مشاع شریک و یا شرکا و یا تقسیم مال غیرمنقول مشاع بین شرکا به نسبت سهم آنان (بند «ج» ماده «الف» آیین نامه اجرایی قانون حفظ کاربری اراضی و باغ ها، مصوب ۱۳۸۶/۵/۲۱)

بافت شهری

مراد از بافت شهری، قطعه بندی اراضی عناصر شهری و نحوه ترکیب پر و خالی (فضاهای باز و ساخته شده) در قطعات مختلف با یکدیگر و یا گذر اصلی (مسیر دسترسی است) (فصلنامه شهرداری ها شماره ۲۲).

پوسته طرح

حد نهایی بر گذر و یا کاربری هایی که در تعیین برو کف مبنا قرار می گیرد (شهرداری شیراز، تعاریف و مفاهیم شهرسازی).

پیلوت

عبارت است از تمام یا قسمتی از طبقه همکف که به صورت فضای سرپوشیده و باز در زیر یا قسمتی از کف طبقه

گسترش شهرنشینی و مسائل و مشکلات خاص زندگی شهری، بیش از پیش ضرورت توجه همه جانبه به راهبردهای سودمند برای بهینه سازی زندگی ساکنان شهرها را لازم ساخته است؛ در این میان عوامل تأثیرگذار در شهرها مانند محیط زیست شهری، حمل و نقل شهری، ایمنی شهری و برنامه ریزی شهری یک عامل بسیار مهم که تأثیر فزاینده و تعیین کننده ای بر دیگر عوامل سازنده زندگی شهری دارد، مدیریت شهری است. هر فعالیت اجتماعی بدون وجود مدیریت سازمان یافته که اهداف و ابزارهای رسیدن به آنها را مشخص کند و فعالیت ها را هماهنگ سازد، از هم می پاشد و به بی نظمی می گراید. شهرها نیز که پیچیده ترین و متنوع ترین جلوه های زندگی اجتماعی را در خود دارند، بدون وجود نظام مدیریت شهری که ضمن انجام برنامه ریزی های لازم برای رشد و توسعه آینده شهر به مقابله با مسائل و مشکلات کنونی آنها بپردازد، بی سامان می گردند.

در نظریه های جدید مدیریت، به بالاترین سازمان از نظر کیفیت «سازمان متعالی» می گویند. یک سازمان زمانی متعالی است که تمام اعضا به ماهیت ذاتی و درونی روابط خود اهمیت دهند؛ بدین معنا که هر فردی برای کارایی بیشتر از هیچ کوششی دریغ نرزد، بر خلاف یک روابط متقابل خشک و رسمی که در آن طرفین به چگونگی تقسیم منافع علاقه مندی نشان میدهند، اعضای یک سازمان متعالی و برتر بیشتر مایلند که بدانند چگونه هر یک از آنان میتوانند نفع بیشتری به سازمان ارائه دهند. افزون بر این، تمامی اعضای سازمان به این موضوع علاقه مند هستند که چگونه می توانند برای افراد خارج از سازمان نیز مثمرتر باشند.

نظام مدیریت شهری نیز می باید به جایگاه متعالی خود برای خدمات رسانی بهتر به منظور رضایت مندی هر چه بیشتر شهروندان کشور دست یابد. مهم ترین راه برای رسیدن به این هدف برای نظام مدیریت شهری، دستیابی به جریان دانش و اطلاعات بهتر در جهت اخذ تصمیم مناسب و کاهش خطاها در تصمیم گیری و اجرا می باشد. داشتن دانش و اطلاعات از عدم قطعیت در روند تصمیم گیری ها می کاهد و مهم ترین ابزار دستیابی به اطلاعات در جهان امروز، متون نوشتاری یا الکترونیک می باشد، که اگر حاصل تلفیق علم و عمل باشند، تأثیرگذاری آن به مراتب بر مخاطبین بیشتر خواهد بود.

با جمعیت بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ نفر در هکتار دارای تراکم خیلی زیاد محسوب می‌شود.

حداکثر سطح اشغال

سطح اشغال شده توسط ساختمان در طبقه همکف.

حریم املاک

حریم مقداری از اراضی اطراف ملک و قنات و نهر و امثال آن است که برای کمال انتفاع از آن ضرورت دارد.

حریم شهر

عبارت است از قسمتی از اراضی بلافاصله پیرامون محدوده شهر، که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد و از مرز تقسیمات کشوری و بخش مربوط تجاوز ننماید (قانون تعاریف محدوده و حریم شهر و روستا و شهرک).

خط ساختمان

عبارت است از خط فرضی به فاصله مشخص از بر زمین و به موازات خیابان دسترسی، که تعیین کننده محدودیت ساخت‌وساز برای تمام یا بخشی از طبقات یک بنا یا ساختمان می‌باشد.

سوسن محمدی

اول قرار می‌گیرد. حداکثر سطح پیلوت معادل سطح آن قسمت از کف اول است که سقف پیلوت محسوب می‌شود.

تجهیزات شهری

منظور از تجهیزات شهری در این ضوابط، ایستگاه‌های اتوبوس، پارکینگ‌های اتومبیل، تلفن‌های عمومی، صندوق‌های پست و ... می‌باشد (ضوابط مقررات شهرداری و معماری برای افراد معلول جسمی - حرکتی، وزارت مسکن و شهرسازی).

تراکم جمعیت

تعداد نفراتی که در یک واحد (هکتار) در یک منطقه زندگی می‌کنند.

تراکم خالص جمعیتی

عبارت است از نسبت جمعیت ساکن در هر محدوده، به سطح اختصاص یافته جهت کاربری مسکونی در آن محدوده به ازای واحد سطح.

تراکم خاص مسکونی

تعداد جمعیت یک منطقه تقسیم بر مساحت اراضی مسکونی.

تراکم خیلی زیاد

نواحی مسکونی آپارتمانی بیش از چهار طبقه و بلند مرتبه

واژه شناسی مفهوم روستا

(تعریف و طبقه‌بندی جغرافیایی)

میزان جمعیت تعریف می‌شود. برای نمونه ملاک جمعیت روستا در فرانسه ۲ هزار نفر، در بلژیک ۵ هزار نفر، در هلند ۲۰ هزار نفر و در ژاپن ۳۰ هزار نفر در نظر گرفته شده است.

هر روستا در نظام‌های شهری، به واحدهای اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر کشتزارها، باغ‌ها، دامداری، مالکیت بر زمین‌های کشاورزی، برخورداری از توانمندی‌های تولیدی در فرآورده‌های کشاورزی، دامی، صنایع دستی و نیز از پایگاه‌های مهم پاسداشت و تداوم سنت‌های فرهنگی، به‌شمار می‌رود که درآمدشان از راه کسب و کار کشاورزی همچون زراعت، باغداری، دامداری، صنایع دستی، پرورش ماهی، پرندگان و زنبور عسل و ... تأمین می‌گردد.

“ تعریف روستا ”

واژه «روستا» که در اوستا «روستاک» است، سرزمین معنا دارد و به گونه، سرزمینی بزرگ با چند ده و آبادی آمده است. روستا در زبان «پهلوی» هم، که «رستاک-رستاغ» است، معنی گسترده‌تری از ده داشته است.

روستا واحدی بزرگتر از ده است. هر روستا مجموعه‌ای از چند ده، به گونه پیوسته یا پراکنده را نیز در بر می‌گیرد. بر اساس پژوهش‌های جهانی، تعریف روستا در کشورهای گوناگون دارای تفاوت‌هایی می‌باشد.

در آمریکا بیشتر بر مفهوم مناطق روستایی تأکید می‌شود که بیانگر نواحی دارای چگالی و تراکم جمعیتی کم است. در برخی کشورهای دیگر، روستا بر اساس

چنانچه ما به یک روستا، دهات بگوییم سخن اشتباه و نادرستی است؛ چرا که ما با گفته‌اند دهات جمع بستیم و در مجموع چند روستا را گفتیم.

تعریف قریه

واژه «قریه» عربی است. «ال» را از «القریه» برداشتند و بدین گونه «قریه» نوشتند و گفتند (هر جایی که خانه و سکونت مردم و دارای بناهای بهم پیوسته باشد «القریه» گویند).

در ایران، «ده» از قدیمی‌ترین زمان، یک واحد اجتماعی، تشکیلاتی و جایی بوده که در آن گروه‌هایی از مردم روستایی برای همکاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرد هم تجمع یافته‌اند. ده اساس زندگی اجتماعی ایران را تشکیل می‌دهد و اهمیت آن به اعتبار اینکه یک واحد تشکیلاتی در زندگی روستایی است، در سراسر قرون وسطا و از آن پس تا به امروز برقرار بوده است.

در عرف «ده» عبارت است از «محدوده‌ای از فضای جغرافیایی که واحد اجتماعی کوچکی مرکب از تعدادی خانواده، که نسبت به هم دارای نوعی احساس دلبستگی، عواطف و علائق مشترک هستند، در آن تجمع می‌یابند و بیشتر فعالیت‌هایی که برای تأمین نیازمندی‌های زندگی خود انجام می‌دهند، از طریق استفاده و بهره‌گیری از زمین و در درون محیط

تعریف ده

در مورد روستا و ده تعاریف متعدد و زیادی بیان شده. ده یا روستا که در کتاب‌های نشر قدیم به صورت «دیه» هم دیده می‌شود. در زبان پهلوی «ده» (Deh) در پارسی باستان (Dahya) به معنی سرزمین و در اوستا به شکل «دخیو» (Daxya) آمده است.

تعریف دهکده

واژه دهکده از دو بخش تشکیل شده است «ده» و «کده».

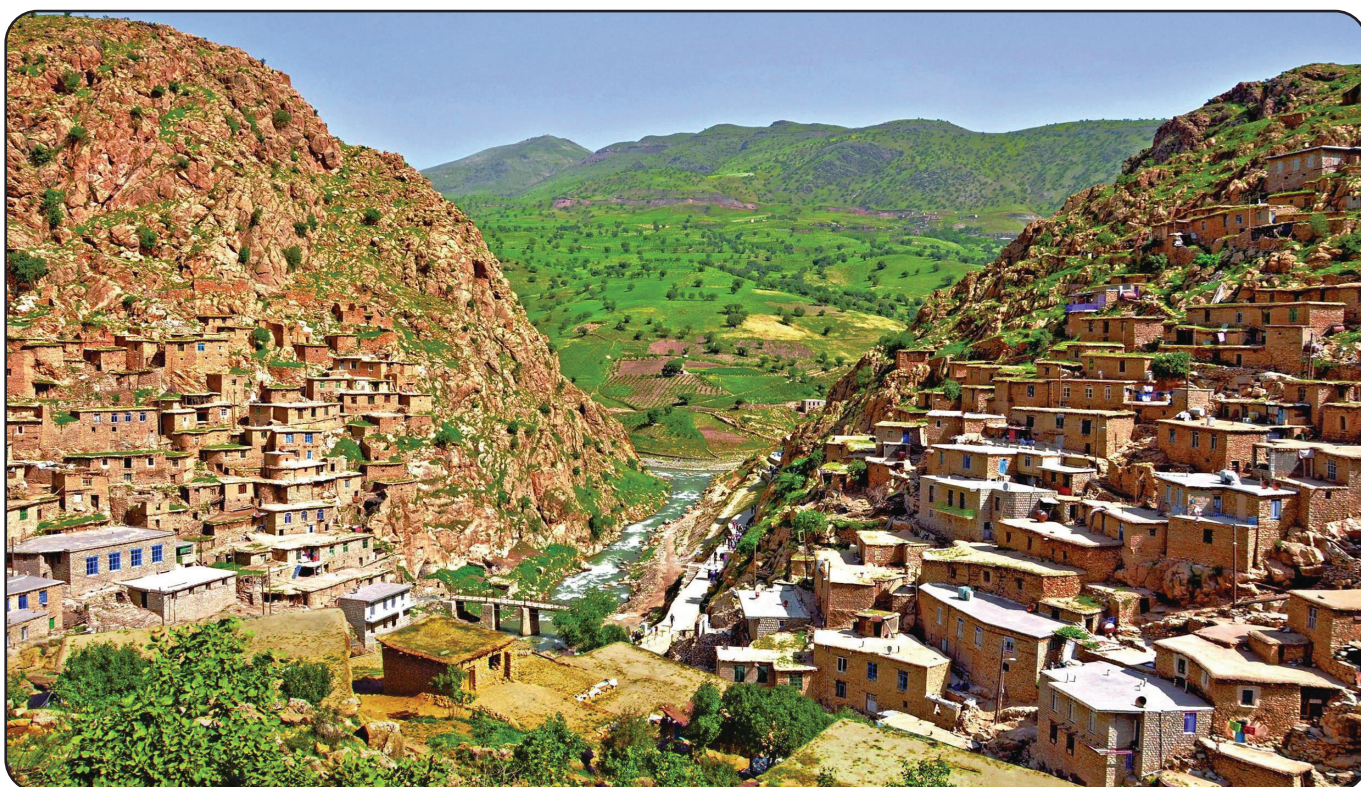
واژه «ده» که آشکار شد، هر آینه واژه «کده» پسوندی است که در پایان بخشی از واژه‌ها معنای جا و مکان را می‌دهد، مانند: دهکده، آشکده، میکده، بتکده و ...

واژه «کده». «خانه» هم معنی می‌دهد؛ خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم. جاهایی که بگونه «خانه» و «اتاق» و «مغازه» است، مانند: میخانه، آشپزخانه، گلخانه، کتابخانه و ...

و در پایان اینکه به ده کوچک «دهکده» می‌گویند.

تعریف دهات

واژه «دهات» پارسی و عربی است که از دو بخش ساخته شده است و جمع «ده» می‌باشند.



در طول تاریخ، روستاهای ایران، مدل‌های مختلفی از زندگانی مردم را در شرایط مختلف آب‌وهوایی در ارتفاعات مختلف توپوگرافیک به خود دیده است. کشاورزان و زارعین غلات، باغداران، دامداران و ... هر کدام شیوه‌ای از تولید را برگزیده‌اند و هر شیوه از تولید، یک روابط کار تعریف کرده و روابط کار هم باعث ایجاد روابط اجتماعی مخصوص به خود شده است (دفتر امور روستایی و شوراه).

“ اشکال اصلی روستاها ”

سکونتگاه‌های روستایی دو شکل اصلی دارند: الف) سکونتگاه‌های مجتمع یا کانونی، ب) سکونتگاه‌های متفرق یا پراکنده.

“ طبقه‌بندی روستاها بر اساس شکل استقرار و تیپ آن‌ها ”

تیپ روستاها بیشتر متأثر از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی روستاها می‌باشد (مهدوی، ۱۳۹۳).

۱. روستاهای متمرکز یا گردآمده،
۲. روستاهای پراکنده،
۳. روستاهای بینابین.

“ الگوهای سکونتگاه مجتمع ”

روستاهای خطی: از یک یا دو ردیف موازی از خانه‌ها تشکیل شده است.

روستاهای کانونی یا میدانه‌ای: در مرکز آن‌ها میدان یا مکان عمومی واقع شده است و خانه‌ها در اطراف آن با اشکال مختلف ساخته می‌شود.

روستاهای مسطح یا صفحه‌ای: دارای کالبدی نامنظم و صفحه‌ای است و به روستاهای «تلی» شهرت یافته است. (سعیدی، ۱۳۷۷).

“ روستاها از نظر توپوگرافی ”

روستاها از نظر عامل ارتفاع به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. روستاهای جلگه‌ای،
۲. روستاهای پایکوهی،
۳. روستاهای میانکوهی،
۴. روستاهای کوهستانی.

مسکونی‌شان صورت می‌گیرد». این واحد اجتماعی که اکثریت افراد آن به کار کشاورزی اشتغال دارند، در عرف محل «ده» نامیده می‌شود.

پلاسید رامبد (Placide Ramboud) جامعه‌شناس فرانسوی می‌گوید: «ده واحد اجتماعی ویژه‌ای است که با یک فضا، در ارتباط متقابل است و این فضا به عنوان یک عنصر ضروری در نظام اجتماعی «ده»، نقش دارد. به این ترتیب «ده» دارای بُعد اجتماعی می‌باشد که می‌تواند یکی از عوامل اساسی تشکیل دهنده آن به شمار رود. «ده» محصول کنش‌های متقابل گروه‌های انسانی و فضا است. میان اعضای «ده» رابطه‌ای محلی وجود دارد که نتیجه کنش‌های متقابل تاریخی است و همین موضوع موجب پیدا شدن حافظه جمعی و محلی می‌شود و نتیجتاً نوعی وجدان یا شعور جمعی به وجود می‌آورد.

“ تعریف «روستا» در قانون ایران ”

«روستا» به عنوان یک سکونتگاه مستقل در قانون تعریف شده که اگر جمعیت آن از یک نصاب معینی افزون‌تر شود، دولت می‌تواند آن را به شهر ارتقاء دهد. پس پایه سکونتگاه‌های روستاها بوده است و اغلب شهرهای امروز در سطح استان و کشور تا چند سال قبل روستایی بوده‌اند که در اثر تحولات منطقه‌ای با جذب جمعیت و تغییر ساختار فضایی تبدیل به شهر شده‌اند.

روستا را از چند جهت متمایز از شهر می‌دانند، یا به عبارتی اگر روستا برخی کارکردها و ویژگی‌های خود را از دست بدهد و برخی ویژگی‌ها و کارکردها را پیدا کند، می‌توان آن نقطه سکونتگاهی را شهر اطلاق نامید. این ویژگی علاوه بر ابعاد جمعیتی، ابعاد اقتصادی و اجتماعی را نیز شامل می‌شود. یکی از ویژگی‌های مشخص یک روستا، اقتصاد مبتنی بر تولید، خصوصاً مبتنی بر کشاورزی است. بر اساس همین نوع اقتصاد، شیوه معیشت مردم شکل می‌گیرد و تخصص‌های لازم در روستا تعریف می‌شود و افراد سامان زندگی روزانه خود را با این نوع اقتصاد منطبق می‌کنند. در کشاورزی ویژگی تولید هر محصول و شرایط محیطی مختلف، روش‌های گوناگونی را برای زیستن به وجود می‌آورد. به زبان ساده‌تر، اقتصاد روستایی، شیوه زندگی کردن را به روستایی می‌آموزد و بر اساس همین شیوه‌های تولید و توزیع کار بین روستائیان، روابط اجتماعی شکل می‌گیرد که معمولاً این روابط با شیوه‌های تولید و روش‌های معیشت منطبق است.

فراخوان همکاری با

نشریه

ایران شناسی

نشریه انجمن علمی و دانشجویی جغرافیا
دانشگاه زنجان با رویکرد علمی - فرهنگی
جهت تکمیل اعضای هیئت تحریریه و تیم
طراحی گرافیک خود از دانشجویان علاقه مند
دعوت به عمل می آورد.



انجمن علمی جغرافیا دانشگاه زنجان

برای دریافت اطلاعات بیشتر به اتاق انجمن واقع در طبقه اول ساختمان علوم اجتماعی مراجعه فرمائید.